



در پنجم مارس سال ۲۰۰۶ «پل هاگیس» تبدیل به اولین هنرمندی شد که توانسته دو اسکار بی در پی را برای فیلمنامه‌نویسی دریافت کند. هاگیس این دو اسکار را برای نوشتن فیلمنامه‌های «تصادف» و «محبوبه‌ی میلیون دلاری» دریافت نمود. تصادف که علاوه بر نویسندگی، کارگردانی آن نیز بر عهده‌ی هاگیس بود، توانست نامزد دریافت شش اسکار شود و چندین جایزه‌ی معتبر دیگر را دریافت کند. شهرت سینمایی هاگیس از سال ۲۰۰۰ و هنگامی که وی برای نگارش محبوبه‌ی میلیون دلاری انتخاب شد، دو چندان شد. وی که پس از مدت‌ها فعالیت تلویزیونی به سینما روی آورده بود، توانست به خوبی پاسخ اعتماد «کلینت ایستوود» را داده و فیلمنامه‌ی را بیافریند که فیلم ساخته‌شده بر اساس آن تنها در آمریکا حدود صد میلیون دلار فروش کرده و چندین اسکار هم به دست آورد! «پرچم‌های پدران ما»، «نامه‌هایی از ایوو جیما»، «کازینو ریبال» و «در دره‌ی الاه» از دیگر فیلمنامه‌های نوشته‌شده به‌وسیله‌ی این فیلمنامه‌نویس ۵۵ ساله است. آن چه در ادامه می‌خوانید، ترجمه‌ی گفت‌وگویی است که پیرامون مقوله‌ی فیلمنامه‌نویسی با این هنرمند متولد کانادا انجام شده است.

گفت و گو با پل هاگیس، فیلمنامه‌نویس موفق هالیوود

نوشته‌ی خوب، انسان را دگرگون می‌کند!

نویسنده و شخصیت‌ها درست پرداخت نشوند، داستانی کلیشه‌ی و خسته‌کننده پدید خواهد آمد.

در سیر تکاملی زندگی هنری یک فیلمنامه‌نویس، قضاوت منتقدان چه نقشی را ایفا می‌کند؟

اگر می‌خواهید در جایگاه فیلمنامه‌نویس، مهارت شما افزایش یابد، باید پیش از این که درباره‌ی کارتان قضاوت کنند، خودتان خوب و بد آن را تشخیص دهید!

باور این مسئله کمی دشوار است!

اصلاً نباید ترسید. شما بر ادراک و نوشتن تکیه کنید و از هیچ چیز واهمه نداشته باشید. آن چه انسان را به هیجان می‌آورد، همین مسئله است و بس! یادتان نرود که فیلمنامه‌نویسان موفق هرگز به خود اجازه نمی‌دهند فکرشان تسخیر شود. آن‌ها مطالبی را می‌نویسند که ایشان را به هیجان می‌آورد و هرگز در این خصوص تردید نمی‌کنند.

بهترین توصیه‌ی شما درباره‌ی نوشتن چیست؟

بیشت‌ترین توصیه در این باره آن است که هر چه می‌دانید، بنویسید.

اما گاهی همین مسئله به ریزش مخاطب منجر می‌شود، این طور نیست؟

بله. گاهی از هر چیزی نوشتن، ممکن است برای شما و مخاطبان خسته‌کننده باشد. این جاست که بایستی «احساس» را وارد نوشته‌ی خود کنید. احساس، نوشته‌ی شما را بهتر می‌کند. آن چه موجب هیجانتان می‌شود، شما را به وجد می‌آورد و مجذوب خود می‌کند، چیزی است که از احساس شما برخاسته است.

تعریف شما از یک فیلمنامه‌نویس موفق چیست؟

فیلمنامه‌نویسان موفق کسانی هستند که بهتر از دیگران کار می‌کنند؛ آن‌ها می‌توانند نوشته‌ی خوب را از بد تشخیص داده و هنگام کار، زمان لازم را برای پیشرفت مهارتشان در نظر بگیرند.

کوشش شخصی در این مسیر چه نقشی دارد؟

فیلمنامه‌نویسان موفق می‌دانند لازمه‌ی موفقیت چیست و برای رسیدن به خواسته‌ی خود از هیچ کوششی فروگذار نیستند و باید این‌طور باشد چرا که شهرت و زندگی آن‌ها در گروی این مسئله است.

چگونه می‌توان به فیلمنامه‌نویسی خوب تبدیل شد؟

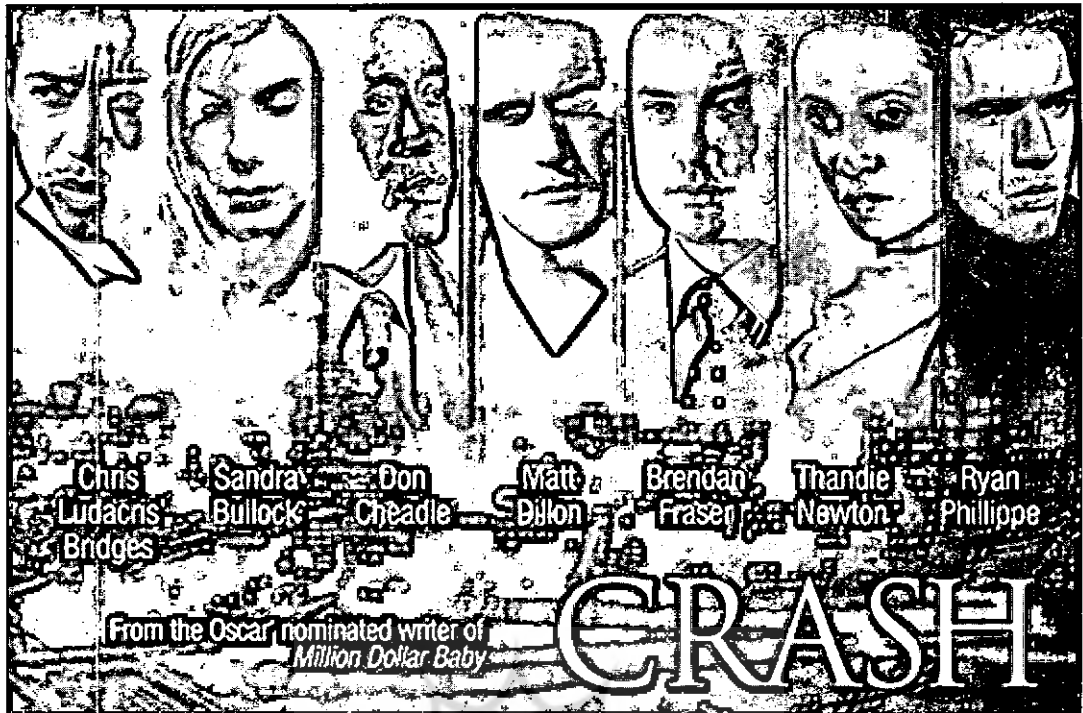
شما به صورت فردی مبتدی لازم است معیارهای اثبات‌شده‌ی فیلمنامه‌نویسی را بشناسید و کار خود را نسبت به این معیارها بهبود بخشید. نوشته‌ی بزرگان را بخوانید و آن‌ها را با کار خود مقایسه کنید سپس به تفاوت‌ها پی خواهید برد. این مقایسه در واقع موجب می‌شود کیفیت کار بالاتر رود.

اصلی‌ترین ویژگی‌ها در این مسیر چه می‌تواند باشد؟

به قول «رنست همینگوی» بزرگ‌ترین موهبت برای یک نویسنده‌ی خوب، آن است که قوی و دقیق باشد.

به نظر شما مهم‌ترین تفاوت یک نوشته‌ی خوب در مقایسه با یک نوشته‌ی بد چیست؟

نوشته‌ی خوب، انسان را دگرگون می‌کند. شخصیت‌های حاضر در یک نوشته‌ی خوب، هماهنگ بوده و داستان دارای پیچیدگی منطقی است. انسان با خواندن چنین داستانی متحیر شده و رضایت عاطفی‌اش برانگیخته می‌شود اما اگر عناصر داستانی هماهنگ



خود آن‌ها را به میلیون‌ها دلار می‌فروشند؟ نویسندگان موفق بسیار منضبط هستند. آن‌ها نوشتن را امری ضروری می‌دانند و هنگامی که کسی می‌گوید بیش از حد گرفتارم به آن معناست که کارهای دیگری وجود دارد که شخص بیش‌تر به اجرای آن‌ها تمایل دارد و کاملاً واضح است که میل به نوشتن، باید با عمل همراه باشد و در غیر این صورت به خودی خود معنا ندارد.

الهام در خلق یک فیلمنامه‌ی موفق چه نقشی دارد؟ فیلمنامه‌نویسان موفق منتظر نمی‌مانند تا به آن‌ها الهام شود؛ البته مواقعی هم است که در نوشتن تامل می‌کنند اما با این حال، بالاخره می‌نویسند. آن‌ها به خوبی می‌دانند که وظیفه‌ی آن‌ها نوشتن است و موفقیتشان در گروی چیست و درست به همین دلیل منتظر نمی‌مانند تا اطلاعات به ذهنشان خطور کند.

قبل از نوشتن یک فیلمنامه چه چیزهایی بایستی مشخص شوند؟ رایج‌ترین شیوه، تعیین اهداف نوشتن است که عبارت هستند از تعداد ساعات نوشتن و تعداد صفحات و صحنه‌هایی که باید روزانه نوشته شود. اگر با خودتان عهد کنید که چنان‌چه تا پایان ساعات تعیین‌شده از پشت میز کارتان بلند نشدید، به خود جایزه بدهید، متوجه خواهید شد که چه‌قدر زود، نوشتن هر فیلمنامه را تمام خواهید کرد؛ البته باید قدم به قدم پیش بروید.

آیا از این حیث فرقی بین نویسندگان موفق و کسانی که رویای موفقیت را در سر می‌پرورانند، وجود دارد؟

فرق در این است که گروه اول در پایان هر روز نسبت به روز قبل صفحات بیش‌تری نوشته‌اند. آن‌ها چه نزد عموم جلب توجه می‌کنند، مقالات فریبنده درباردهی فروش فیلم‌ها و دستمزدی است که به بازیگران تعلق می‌گیرد.

پس نقش فیلمنامه‌نویس در این میان کجاست؟

استفاده از متد پیشینیان در نوشتن فیلمنامه چه نقشی دارد؟ نگران روش نباشید و همیشه آن‌چه را که می‌بینید، بنویسید زیرا تا بخواهید شروع به آموختن روش‌ها کنید، به اندازه‌ی دو سال عقب افتاده‌اید.

چرا این‌گونه است؟

تردید، فکر را مختل می‌کند. خواستن، توانستن است. شما شروع به انجام کار مورد علاقه‌تان کنید، مطمئن باشید دیر یا زود به استاندارد لازم خواهید رسید.

پس باید آموزش همراه با فعالیت باشد؟

همین‌طور است. اگر می‌خواهید نوشته‌ی شما تأثیرگذار باشد، علاوه بر تمرین نوشتن، آثار دیگران را بخوانید و از تهیه‌کنندگان بپرسید به دنبال چه هستند؛ اگر آن‌چه در جست‌وجویش هستند، همان چیزی است که موجب هیجان شما می‌شود، تصمیم به نوشتن بگیرید و باز هم به عمومیت اثرتان که برخی آن را عاملی تجاری می‌نامند، فکر کنید.

اما اگر بخواهیم به نقطه‌نظر تهیه‌کنندگان توجه کنیم، ممکن است به تجاری‌نویسی محکوم شویم؟!

از زمانی که سرگرمی جمع‌مورد نظر است، هنر در نقطه‌ی مقابل تجارت قرار گرفته است. در مبحث هنر تجاری، هدف، سرگرمی مخاطب است، مگر این‌که برای سرگرمی خودتان بنویسید! فرصت‌هایی را که می‌خواهید با داستانتان پیشنهاد کنید، بیارند و شما تنها هنگامی در کارتان موفق خواهید بود که طبق خواسته‌ی مردم و استودیوها بنویسید. این امر به آن معنا نیست که برده‌ی آمار و ارقام شوید، بلکه به آن معناست که باید مطلب و نوشته‌ی خود را با نوشته‌ی کسانی که شهرت جهانی دارند، پیوند دهید.

چگونه است که برخی از نویسندگان، حتی قبل از نوشتن آثار



احساس، نوشته‌ی شما را بهتر
می‌کند. آن چه موجب هیجانان
می‌شود، شما را به وجد می‌آورد و
مجذوب خود می‌کند، چیزی است که از
احساس شما برخاسته است

CLINTEASTWOOD
HILARYSWANK
MORGANFREEMAN
MILLION DOLLAR BABY

در برقراری ارتباط عاطفی با خواننده یا بیننده است. اگر نگاهی به فیلم‌های روز بیندازید، خواهید دید که همه‌ی آن‌ها به بیننده وعده‌ی هیجان، تأثیرگذاری، شگفتی، ابهام، رضایت و جذابیت می‌دهند. چگونه می‌توان همواره احساس لازم را در مخاطب ایجاد کرد؟ باید هر بار که تصمیم به نوشتن می‌گیرید، در هر لحظه نگران از دست دادن خوانندگان خود باشید. در هالیوود، بدترین جرم این است که خواننده یا بیننده‌ی هر فیلم بگوید پایان داستان چه شد؟! هیچ خواننده‌ی وقت خود را صرف داستانی خسته‌کننده نمی‌کند و هیچ بیننده‌ی پول نمی‌دهد که یک فیلم کسل‌کننده ببیند. آیا بازنویسی فیلمنامه جزو امور حتمی نگارش یک فیلمنامه‌ی خوب است؟

فیلمنامه‌نویسان حرفه‌ی اثر خود را بازنویسی می‌کنند تا هم خود و هم خواننده، تأثیر بیش‌تری از آن بگیرند.

آخرین پیشنهادتان به فیلمنامه‌نویسان چیست؟

در پایان، اگر بنا باشد به فیلمنامه‌نویسان جوان پیشنهاد کنم، آن پیشنهاد این است که هرگز به فکر این نباشند که چگونه وارد بازار کار شوند، بلکه به این فکر کنند که چه‌طور خواننده از نوشته‌هایشان تأثیر می‌گیرد. مطمئن باشند سرانجام موفق خواهند شد؛ البته سعی کنند رفتار، عادت، مهارت و طرز برخورد خود را بهتر کنند. فیلمنامه‌نویسان تازه‌کار به یاد داشته باشند که هر فیلمنامه‌نویس خوبی بالاخره موفق خواهد شد که نظر تهیه‌کننده، شرکت، همکار و یا خواننده را به خود جلب کند. خیلی هم جدی برخورد نکنند؛ بازی و استراحت کنند، بخورند، بخندند، عشق بورزند، بخوابند و روزانه هر قدر که لازم بود، بنویسند!

واقعیت این است که چنانچه فیلمنامه‌نویس نباشد، تولیدکننده، کارگردان، بازیگر، همه و همه از تدارکات گرفته تا فیلمبردار دست‌بسته می‌مانند. هیچ‌کس بدون نوشته قادر به کار کردن نیست؛ با این حال، در مراحل فیلمسازی به فیلمنامه‌نویسی آن طوری که باید توجه نمی‌شود.

البته این عدم توجه مطمئناً ناشی از جایگاه حرفه‌ی فیلمنامه‌نویس هم است!

نویسندگان بلندپرواز باید بدانند، چنانچه اثر آن‌ها به فروش نرسد و یا حمایت نشود، موفق نخواهند بود. اگر دست‌اندرکاران بدانند که نوشته‌ی شما به پیشرفت کار آن‌ها کمک می‌کند، شما را دوست خواهند داشت و در غیر این صورت، شما را به فراموشی خواهند سپرد.

و بدین ترتیب برای فیلمنامه‌نویس سرخوردگی پیش می‌آید! همین‌طور است. چنانچه فیلمنامه‌نویس خود را با شرایط وفق ندهد، باید خود را برای سرخوردگی آماده کند. نویسندگان موفق واقعیت امر را می‌دانند و خود را با آن وفق می‌دهند. آن‌ها می‌دانند که کارشان بازنویسی می‌شود و با ستارگان فیلم و کارگردانان پیش می‌روند و وظیفه‌ی آن‌ها کیفیت و کار خوب است.

در قسمتی از مصاحبه، درباره‌ی نقش «احساس» در فیلمنامه‌نویسی صحبت کردید. این عامل چه‌قدر در تکمیل موفقیت نهایی یک کار مؤثر است؟

شاید باور نکنید اگر بگویم بهترین عامل در هر داستان و یا مهم‌ترین دلیلی که افراد را وادار به سینما رفتن، رمان خواندن، تماشای تلویزیون و دیدن نمایش می‌کند، عنصری است که در آثار مبتدیان وجود ندارد و آن عواطف و احساسات است. تأثیر هر فیلمنامه